

۲۵ آبان ۱۴۰۳ - شهر چمران خوزستان

خطبه اول:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين نَحْمَدُهُ وَنُسْتَعِينُهُ وَنَسْتَغْفِرُهُ
وَنَتَوَكَّلُ عَلَيْهِ وَنُصَلِّي وَنُسَلِّمُ عَلَى حَبِيبِهِ وَنَجِيبِهِ وَ
خَيْرَتِهِ فِي خَلْقِهِ حَافِظِ سِرِّهِ وَ مُبَلِّغِ رِسَالَاتِهِ بِشِيرِ
نِعْمَتِهِ وَ نَذِيرِ نِقْمَتِهِ سَيِّدِنَا وَ نَبِيَّنَا اَبِي الْقَاسِمِ
المصطفى محمد و على آله الاطيبين الاطهرين
المنتجبين الهداء المهديين سيما بقيّة الله في
الارضين و صلّ الله على ائمة المؤمنين و هداة
المستضعفين و حماة المؤمنين.

عِبَادَ اللَّهِ اوصيكم و نفسى بتقوى الله

وَقَالَ (عليه السلام) كَمْ مِنْ مُسْتَدْرَجٍ بِالْإِحْسَانِ إِلَيْهِ، وَ
مَغْرُورٍ بِالسَّتْرِ عَلَيْهِ، وَ مَفْتُونٍ بِحُسْنِ الْقَوْلِ فِيهِ؛ وَ مَا ابْتَلَى
اللَّهُ أَحَدًا بِمِثْلِ الْإِمْلَاءِ لَهُ.

آقا امیرالمومنین (ع) در حدیثی که در حکمت ۱۱۶ نهج البلاغه
ذکر شده است، می فرماید: چه بسیارند کسانی که به سبب نعمتی
که به آنها داده شده در غفلت فرو می روند و به سبب پرده پوشی
خدا بر آنها مغرور می گردند و بر اثر تعریف و تمجید از آنان فریب
می خورند و خداوند هیچ کس را به چیزی مانند مهلت دادن (و
ادامه نعمت ها و ترک عقوبت) آزمایش نکرده است.

هشدار به چهار چیز:

«مستدرج» از ریشه «استدرج» به معنای چیزی را تدریجاً به سمت و
سویی بردن آمده است. در قرآن مجید این تعبیر در دو آیه (۱۸۲)
سوره «اعراف»، و ۴۴ سوره «قلم» ذکر شده و مفهوم آن در هر دو

مورد یکی است و آن این که کسی را مرحله به مرحله بدون این که خود متوجه شود در دام مجازات گرفتار کنند درست مثل این که کسی از بیراهه به سوی پرتگاه می رود اما نه تنها او را از این کار نهی نکنیم بلکه به دلیل آنکه مستحق مجازات و کیفر است او را نیز تشویق کنیم. ناگهان به لب پرتگاه می رسد و خود را در دام مجازات می بیند، وحشت می کند و راه بازگشت در برابر خود نمی بیند و از همان جا می لغزد و در پرتگاه سقوط می کند. خدا به افرادی که طغیان را به اوج خود می رسانند نیکی می کند، نعمت می بخشد، مقام می دهد و ناگهان در میان ناز و نعمت گرفتار مجازاتشان می سازد، مجازاتی که در آن حالت بسیار دردناک است.

در آیه ۴۴ سوره «انعام» می خوانیم: «فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً فَإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ»؛ هنگامی که آنچه را به آن ها تذکر داده شده فراموش

کردند ما درهای همه گونه نعمت را بر آنها گشودیم تا زمانی که (کاملاً) به آنچه به آنها داده شده بود خوشحال شدند. ناگهان آنها را به عذاب گرفتار ساختیم و یکباره نومید شدند».

دومین جمله اشاره به کسانی است که مورد آزمون الهی از طریق پرده پوشی خداوند نسبت به گناهان آنها قرار می گیرند. خدا، ستار العیوب است و تا آن جا که ممکن باشد بر گناهان بندگانش پرده می افکند تا بیدار شوند و توبه کنند و به راه حق باز گردند ولی گروهی به عکس، مغرور می شوند و از این ستر الهی فریب می خورند و بر شدت و کثرت گناه می افزایند. با توجه به این که «چون که از حد بگذرد رسوا کند» سرانجام پرده ها بالا می رود و آنها رسوای خاص و عام می شوند.

جمله سوم اشاره به یکی دیگر از راه های نفوذ شیطان و هوای نفس در انسان است؛ گاه مردم از روی حسن ظن و گاه از طریق تملق و چاپلوسی به مدح و ثنای افرادی می پردازند؛ ولی گاه آنها

که از حال خود باخبرند و وضع خود را با آنچه به صورت مدح و تمجید گفته می شود کاملاً متفاوت می بینند بیدار شده و سعی می کنند خود را با حسن ظن مردم موافق کنند، گاهی با این سخنان، فریب می خورند و خود را مقرب درگاه الهی و در اوج فضیلت و اخلاق می پندارند، در حالی که در دام شیطان و هوای نفس گرفتارند.

چهارمین جمله اشاره به حال کسانی است که خداوندِ حلیم و غفور آنها را از طریق بخشیدن نعمت و گسترش روزی و مانند آن می آزماید شاید به پاس نعمت های الهی بیدار شوند و باز گردند؛ این گسترش نعمت ها سبب غفلت و بی خبریشان شده و همچنان راه خطا را با شتاب ادامه می دهند، ناگهان خدا آنها را گرفته و مجازات می کند؛ مجازاتی که بسیار دردناک است، زیرا در میان نعمت های الهی غوطهور و سرگرم لذاتند که در یک لحظه همه چیز دگرگون می شود و همچون «قارون» که با داشتن آن همه

امکانات در اوج غرور و غفلت قرار داشت، گرفتار عذاب ناگهانی الهی شده و در یک لحظه همه چیز خود را از دست می دهند.

قرآن مجید در شرح حال قوم «سبأ» و سرگذشت آنها به همین معنا اشاره کرده است؛ خدا آنها را مشمول انواع نعمت ها قرار داد، سرزمینی پر از نعمت و خدایی آمرزنده داشتند (بَلَدَةٌ طَيِّبَةٌ وَرَبُّ غَفُورٌ) (سبأ، آیه ۱۵) اما هوای نفس و شیطان کار خود را کرد و آنها را به ناسپاسی و طغیان واداشت. ناگهان سد عظیم «مأرب» بر اثر نفوذ آب و جانوران در آن شکست و سیلاب عظیمی به راه افتاد و باغ ها و زراعت ها و کاخ ها را در هم کوبید و در هم برد و تنها زمینی بایر و ویران به جای ماند به گونه ای که باقی مانده جمعیت مجبور شدند از آن سرزمین کوچ کنند.

خطبه دوم:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله ربّ العالمين و الصّلاه و السّلام على سيّدنا و
نبيّنا ابي القاسم المصطفى محمّد و على ءاله الأطيبين
الأطهرين سيّما بقيّة الله في الأرضين و صلّ على
امير المؤمنين و فاطمة الزّهراء سيّده نساء العالمين و صلّ
على الحسن و الحسين سيّدَي شباب اهل الجنّة و على
عليّ بن الحسين و محمّد بن عليّ و جعفر بن محمّد و
موسى بن جعفر و عليّ بن موسى و محمّد بن عليّ و
عليّ بن محمّد و الحسن بن عليّ و الخلف القائم المهديّ
حججك على عبادك و امنائك في بلادك و صلّ على
ائمّة المسلمين و حماة المستضعفين و هداة المؤمنين.

عِبَادَ اللَّهِ اَوْصِيكُمْ وَ نَفْسِي بِتَقْوَى اللَّهِ

حضرت فاطمه(س)، یک رهبر واقعی با جهادی نمونه

فاطمه‌ی زهرا سلام‌الله‌علیها در نقش یک رهبر واقعی است؛ همان‌طور که امام بزرگوار فرمودند که اگر فاطمه‌ی زهرا مرد بود، پیغمبر می‌شد. یعنی یک رهبر به تمام معنا، مثل یک پیغمبر، مثل یک هدایت‌گر عموم بشر است.

جهاد حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها در میدان‌های مختلف، یک جهاد نمونه است جهاد فقط شمشیر گرفتن و جنگ کردن در میدان قتال نیست؛ جهاد شامل جهاد فکری، جهاد عملی، جهاد تبیینی و تبلیغی و جهاد مالی است.

در منطق دین هم، تبیین، مهم‌ترین وظیفه‌ی پیغمبران است. دشمنان پیغمبران از جهل‌ها و پرده‌پوشی‌ها استفاده می‌کنند. هم‌چنان که تبیین حقایق در سیره‌ی علوی نمود پررنگی داشت. بسیاری از خطبه‌های نهج‌البلاغه تبیین واقعیاتی است که در جامعه‌ی آن روز وجود داشته است.

مبنای مهم قیام حسینی نیز تبیین بود. امام حسین را فقط به جنگ روز عاشورا نباید شناخت؛ آن یک بخش از جهاد امام حسین است. به تبیین او، امر به معروف او، نهی از منکر او، توضیح مسائل گوناگون در منی و عرفات، خطاب به علما و نخبگان باید شناخت.

رهبر انقلاب می فرمایند: «تبیین اساس کار ما است. ما با ذهن ها و دل ها مواجهیم؛ باید دل ها قانع بشود. اگر دل ها قانع نشد، بدن ها به راه نمی افتد» (۱۳۹۵/۰۴/۱۲) امروز همه ی ما بایستی در میدان تبیین حرکت بکنیم» (۱۴۰۰/۰۷/۰۵).

رهبر معظم انقلاب وقتی از جهاد تبیین سخن می گویند قاعدتا منظورشان حرکتی عادی و معمولی نیست؛ بلکه تحول و تغییری جهادی و بنیادی است که تمایز مشخصی با حرکت های پیشین دارد، یعنی هم از حیث کمیت و مقدار و هم از لحاظ کیفیت و

شیوه‌های انجام، باید به‌نحوی انقلابی، با حرکت معمول متفاوت باشد.

عصر قیام فاطمی (س)، عصر تقابل «ترور» و «تبیین»

اینکه امام باقر علیه‌السلام بعد آموزش متن زیارت عاشورا یادآور شدند: «إِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَزُورَ الْإِمَامَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِهَذِهِ الزِّيَارَةِ كُلَّ يَوْمٍ مِنْ دَارِكَ فَزُرُهُ، وَلَكَ ثَوَابُ جَمِيعِ ذَلِكَ» (زاد المعاد - مفتاح الجنان، ص ۲۳۶)؛ گویای این حقیقت است که در متن زیارت عاشورا درس‌هایی اساسی و مهم نهفته است که یک شیعه هر روز باید این درس‌های را مرور نماید و آن درس‌ها را در برنامه زندگی روزانه خود بگنجاند.

یکی از درس‌های اساسی زیارت عاشورا تبیین فرایند دشمنی و توطئه جریان طاغوت با ارزش‌های الهی و رهبران الهی است. در زیارت عاشورا قبل از آنکه بگوییم «وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكُمْ» می‌گوییم: «وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً دَفَعَتْكُمْ عَنْ مَقَامِكُمْ وَأَزَالَتْكُمْ عَنْ مَرَاتِبِكُمْ الَّتِي رَتَّبَكُمْ اللَّهُ فِيهَا؛ و خدا لعنت کند مردمی را که کنار زدند شما را از مقام مخصوصتان و دور کردند شما را از آن مرتبه‌هایی که خداوند آن رتبه‌ها را به شما داده بود».

این فراز گویای این حقیقت است که جریان طاغوت برای از بین بردن ارزش‌ها و رهبران الهی از ترور سه مرحله‌ای استفاده می‌کند:

(۱) ترور شاخص‌ها (دفعتم عن مقامکم)

(۲) ترور شخصیت‌ها (ازالتکم عن مراتبکم)

۳) ترور شخص‌ها (قتلتکم)، «مَا مِنَّا إِلَّا مَقْتُولٌ أَوْ مَسْمُومٌ» (کفایه الأثر، ص ۱۶۲)).

فرصت جهاد تبیین، ذیل راهبرد جهاد کبیر

هرچند ایام شهادت حضرت صدیقه طاهره سلام الله علیها، فرصت تبیین حقایق اسلام ناب است ولی باید توجه داشت که جهاد تبیین ذیل «جهاد کبیر» و راهبرد عدم اطاعت از دشمن و قرار نگرفتن در زمین بازی دشمن است. کفار به طرق مختلف به دنبال آن بودند که پیامبر خدا و مسلمانان را به تبعیت از خود وادار کنند. در چنین فضا و شرایطی بود که خداوند خطاب به پیامبر عظیم الشان اسلام توصیه و امر می فرمود: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ» (احزاب: ۱)؛ «فَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا» (فرقان: ۵۲).

جهاد کبیر باید سرلوحه کار تمامی کسانی باشد که می‌خواهند از ارزش‌های الهی در برابر هجمه همه‌جانبه دشمنان در شرایط کنونی حفاظت کنند. به‌طور مثال در ایام شهادت حضرت زهرا سلام الله علیها، دشمن در سه محور غربی، عبری و عربی با تحریک دو جریان «شیعه انگلیسی» و «سنی آمریکایی» در صدد ایجاد تفرقه و اختلاف و نزاع در جامعه اسلامی ما است. از این رو باید در میدان جهاد تبیین به‌گونه‌ای مدبرانه و هنرمندانه عمل کرد که در دام ترفند سیاست تفرقه بینداز و آقای کن (فَرَّقْ تَسُدْ) دستگاه استعمار و استکبار نیفتاد. چرا که با تحقق سیاست شیطانی تفرقه‌افکنی، جریان ترورهای سه‌گانه فعال‌تر خواهد شد.

استان خوزستان نیازمند مدیران بومی، دلسوز و کاربلد است

در این ایام با توجه به تغییر دولت، شاهد تغییرات مدیران در استان و شهرستان هستیم و برخی از مدیران نیز در نوبت تغییر هستند.

نکته حائز اهمیت آن است که وزیران، استاندار و مسئولان محترم در انتخاب‌های خودشان، شاخص‌های مدنظر رهبرانقلاب را سرلوحه انتخاب‌های خودشان داشته باشند و بر انتخاب مدیران بومی، متدین، انقلابی، دلسوز و کاربلد و فارغ از جناح بندی‌های سیاسی و قومیتی تاکید داشته باشند.

متأسفانه طی چند وقت گذشته شاهد گعده‌های سیاسی و طیف بندی‌های سیاسی به صورت علنی و پناه در استان و شهرستان جهت عزل و نصب برخی مدیران هستیم که بیشتر این گعده‌ها به دلالی مدیریتی شباهت دارد تا انتخاب مدیران شایسته.

به همه مسئولان و کسانی که با حرارت و شور بسیار به دنبال منافع شخصی، جناحی، قومیتی و غیره خود هستند، میگویم که آخرتی هم وجود دارد و مراقب اعمال، رفتار و گفتارتان در پیشگاه خداوند باشید و از آه و ناله مردم بترسید.